info@payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۱۴۱۶
یکشنبه / ۱۶ تیر / ۱۳۹۸
۴ / ذی القعده / ۱۴۴۰
07 / Jul/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۴۴۳۴۳ -۰۲۶ فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۸۹۷۸۶۷۳۹-۰۲۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۳/۴۶
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

ای منعم آخر بر خوان جودت
تا چند باشیم از بی نصیبان
حافظ نگشتی شیدای گیتی
گر می‌شنیدی پند ادیبان

ما دست تو را خواجه بخواهیم کشیدن
وز نیک و بدت پاک بخواهیم بریدن
هر چند شب غفلت و مستیت دراز است
ما بر همه چون صبح بخواهیم دمیدن
مولانا

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۰۹	۰۵:۵۷	۱۳:۱۲	۲۰:۲۶	۲۰:۴۶

برگه

آرامش و اطمینان، بهترین موفقیت است.
اوستن

با شعرای کرج

اندیشه ای برای شکفتن

ای در غبار غیر و فرو رفته در عدم
ای لغزش هنر، در سایه ی هراسِ گذر کردنِ زمان

ای آخرین نگارِ زمان بر نگین سنگ
ای بستر فغان زمین بر فراز رود

در تیرگی سایه ی فانوس مانده‌ای
خود را به کوچه های توهّم رسانده ای

دیگر صدای نای تو از عندلیب نیست
تو در هرین قصه ی ضحّاک مانده‌ای

سیل است همسفر، تاریکی و غبار
چیزی که در تو نیست.

نبض محبت است... رود طبیعت است
تا کِی میان سایه ی خود دست و پا زنی؟

از نور می گریزی و هرز آب می روی
شب را ز خود بران، گذری بر طلوع کن

اندیشه را نگر و گذرگاه خویش کن
بی فکر تا کجا به چنین خواب می روی؟!

اندیشه ای برای شکفتن ز دانه کن
اما دریغ از این که خرد زاید از خرد

ندا جعفری

خبرچه

تاثیر مثبت واتس‌اپ بر روحیه کاربران!

جدیدترین تحقیقات نشـان می‌دهد که اسـتفاده از اپلیکیشن پیام‌رسان واتس‌اپ تاثیرات مثبتی روی روحیه و اعتماد به نفس کاربران دارد.

به گزارش پیام آشنا، بر اسـاس تازه‌ترین یافته‌های محققان و پژوهشگران در موسسه تحقیقاتی گلوبال وب ایندکس، استفاده از واتس‌اپ که یکی از محبوب‌ترین و پرطرفدارترین اپلیکیشن‌های پیام‌رسان در جهان به‌شمار می‌رود، روی سلامت روحی و روانی کاربرانش تاثیر مثبت و سـازنده‌ای دارد. کارشناسان و تحلیلگران در توصیف علل این تاثیرات مثبت خاطرنشـان کرده‌اند از آنجا که کاربران با اسـتفاده از پیام‌رسـان واتس‌اپ با دوستان و اعضای خانواده خود در هر کجای جهان که باشـند، می‌توانند ارتبـاط برقرار کنند، پیام‌های متنی و صوتی بفرستند و تماس‌های صوتی و تصویری با آنها بگیرند، احساس تنهایی و افسردگی نخواهند کرد و همین مساله موجب بهبود و ارتقای سطح سلامت روحی و روانی آنها می‌شود.

براساس اطلاعاتی که در وبسایت digitalinformationworld آمده اسـت، آنها در ادامه گزارش خـود اعلام کرده‌اند آن دسـته از افـراد و کاربرانی که تعداد ساعات بیشـتری از واتس‌اپ استفاده می‌کنند، در درازمدت متوجه خواهند شـد کـه روحیه بهتری خواهند داشـت، چراکه قادر خواهند بود با دوسـتان و اعضـای خانواده خود به راحتـی ارتباط برقرار کنند. اپلیکیشن پیام‌رسان واتس‌اپ که یکی از محبوب‌ترین و پرطرفدارترین پیام‌رسان‌های جهان است نیز از قابلیت Encryption End- to End یـا رمزنـگاری پیشرفته پشتیبانی می‌کند و از پروتکل‌های پیشرفته‌ای برای حفظ حریم شخصی کاربرانش برخوردار است. این اپلیکیشن که برای تمام سیسـتم‌های عامل اندروید، iOS و ویندوز قابل استفاده است، در سال ۲۰۱۶ لقب پرکاربردترین پیام‌رسان جهان را گرفت. واتس‌اپ از آن جهت ضریب امنیت سایبری بالایی دارد که مکالمات و اطلاعات مبادله شده میان کاربران و مخاطبان به‌صورت کامل محافظت شده بوده و مکالمات و اطلاعات شخصی و خصوصی آنها از سـوی نهادهـای دیگر قابل رصد و ردگیری نخواهد بود.

یادداشت اختصاصی

روزها انتظار برای دریافت دارو در کرج

خانی نژاد

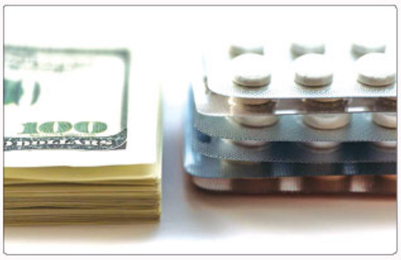

هنگام خریدن دارو برای پدرم سراسر استرس و اضطرابم. در حال قدم زدن یا در سکوت روی یک صندلی نشسته و به نقطه ای خیره می شوم. گاهی با خودم حرف می زنم گاهی آه می کشم و گاهی با خودم زمزمه می کنم، شاید همه این ها بخاطر این است که حال همدیگر را درک کنیم، یک تجربه یا یا یک اتفاق جدید است برای اینکه بفهمیم مردم چه حالی دارند، خانواده هایشان برای تهیه دارو چه عذابی را تحمل می کنند.

لحظه موعود وقتی اسـت که مسئول پذیرش شماره ای را می خواند و آن شماره ای است که توی دستان توست. وقتی بهش نزدیک می شوی دعا، دعا می کنی داروش آماده باشد تا بتوانی بگیری و ببری پدرت مصرف کند، به این امید که آنتی ویروس اثر کند و این هپاتیت C لعنتی از بدنش بیرون برود.

تنها تو نیسـتی که انتظار می کشی، تنها تو نیستی که به سقف هلال احمر خیره می شوی، تنها تو نیستی که امید داری این دارو و هزاران داروی کمیاب دیگر، توی این داروخانه موجود باشد. اگر حس ششـمت کار کند صدای زجر کشیدنِ لحظه به لحظه مراجعین را حس می کنی که با چه التماسی از خدا می خواهند که دست خالی برنگردند.

این همان سهم ما از زندگی است. بدترین لحظه، لحظه ای است که با تمام تب و تاب و التماس ها به خدا می رسی به گیشه و بهت می گویند دارو هنوز از تهران نرسیده و امروز دستت را نمی گیرد. برو فردا بیا. دنیا روی سرت خراب می شود. می پرسی چرا فردا؟ بهت می گویند چون هنوز دستمان نرسیده!

کمیابی دارو از یک طرف، ناز و قمش مسـئولش هم از یک طرف دیگر. نمی دانی باید کجا فریاد ببری. روز بعد هم دوباره به داروخانه هلال احمر مراجعه می کنی و شماره می گیری تا نوبتت برسد. کسی قبل از شماره گرفتن جوابت را نمی دهد، خیالت را راحت نمی کنـد که این دارو هست یا نه!

وقتی بعد از سـاعت ها نوبتت می رسد، دوباره مسـئولش بهت نگاه می کند و می گوید: دارو آمده ولی هنوز قیمت گذاری نشده. می پرسی: یعنی چی که قیمت گذاری نشده و باز با اخم هـاش بهت می فهماند که برو فـردا بیا. برای مریضی که نیاز دارد تا هر روز این دارو را مصرف کند این رفتارها بسیار سخت است . بعد از ۴ تا ۵ روز علاف شدن دارو به دستت می رسد تازه این وضعیت برای دارویی است که ۳۰ تا قرصش ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومن در نوسـان است. بماند آن هایی که به داروخانه هلال احمر مراجعه می کنند و داروهایشان بالاتر از ۲ تا ۳ میلیون تومان قیمت دارد و بعضـی از داروهای خاص هم که قیمتشان سر به فلک می زند. بیچاره مردم.

وقتی با مراجعه کننده ها صحبت می کنی هر کدام یه مطلب جدید می گویند و یک قیمت جدید که سرت سـوت می کشد در حالی که اشک در چشمانشان حلقه زده با لب هایی لرزان می گویند خدا کند خارجیش را داشته باشند وگرنه اثر نمی کند

سوال اینجاسـت اگر توزیع دارو از تهران انجام شـده و به هلال احمر کرج می رسد چرا باید خانواده ها پشت سر هم مراجعه کنند تا بالاخره موفق به خرید دارو شوند؟ فاصله از تهران تا کرج چقدر است؟ برای قیمت گذاری چند روز و چند بار بیمار و یا خانواده بیمار مراجعه کنند تا داروی خود را دریافت کنند؟ نقش بیمه های تکمیلی بازنشستگان کشوری در این امر چیست؟

نقش بیمه در این کشـور چیست؟ چرا کادر پزشکی که مبتلا به بیماریهای خاص و عفونی می شـوند نهاد و یا سـازمانی نیست تا از آنها حمایت کند؟ پرسـتاری که سـال ها زحمت کشیده و هنگام بازنشستگی متوجه بیماری شده چقدر باید درد و رنج نبود دارو را تحمل کرده و با قیمت های سرسام آور و حقوق بخور و نمیر بازنشستگی هزینه سنگین آن را جبران کند؟ چرا هـلال احمر کرج این قدر کند عمل کرده و دارو با سختی به دست بیمار می رسد؟ هزینه های برخی بیماری خاص سنگین است دولت در این زمینه کجا دست بیماران را گرفته است؟ دسـتگاه های نظارتی چرا اقدامی برای بهبود اوضاع ندارند؟ اگر دارو به علت شرایط اقتصادی گران است، نحوه برخورد مسئولان پخش دارو با مردم زشت و ناپسند است.

یادمان باشـد مدیریت در شرایط سخت هنر است.

دیدگاه

راه و روش درستِ کتاب خواندن

«پس از مدتی سراغ کتابخانه و کتاب‌هایمان که می‌رویم اکثرشان دیگر با هم تفاوت زیادی نمی‌کنند چون تقریبا چیز زیادی از آنها یادمان نمی‌آید. محتوای هر کتاب صرفا به‌صورتی مبهم و آشـفته از ذهن ما عبور می‌کند. در چنین مواقعی ابتدا پریشـان می‌شویم که مشکل از حافظهٔ ضعیف خودمان است یا شاید کتاب‌ها تأثیر اندکی بر ما داشته‌اند اما وقتی می‌فهمیم بسیاری از دوستانمان هم همین تجربه را دارند کمی احساس آسودگی می‌کنیم. اگر محتوای کتاب‌ها تا بدین حد کـم به خاطر می‌مانند اساسا اهمیت مطالعه در چیست؟ رولف دوبلی، نویسـندهٔ کتاب «هنر شـفاف اندیشیدن»، پیشنهادهایی دارد.»

به گزارش پیام آشنا، ترجمان در برگردان نوشتاری از رولف دوبلی، نویسنده سوئیسی کتاب پرفروش «هنر شفاف اندیشیدن» (این کتاب در ایران با ترجمه عادل فردوسی‌پور منتشر شده است.) نوشت: «ما به درستی کتاب نمی‌خوانیم و کتابخوانی را بــه نحو گزیده و با دقت کافی به انجام نمی‌رسـانیم. باید کتاب‌ها را به گونه متفاوت بخوانیم و برای این کار، چارچوب راهنما و پیش روی خود را به شما پیشنهاد می‌کنم. بگذارید با یک مثال ساده مسئله را توضیح دهم. هر بلیت قطار چند سـفره در سوئیس شش بخش جداگانه دارد. پیش از آغاز سـفر، شما کارت خود را در یک دستگاه نارنجی‌رنگ قرار می‌دهید که تاریخ و زمان سفر را روی آن درج می‌کند و بخش کوچکی از گوشه سمت چپ کارت را برمی‌دارد. زمانی که هر شـش بخش کارت مورد استفاده قرار گیرد، اعتبار بلیت به پایان رسیده و بلیت بی‌ارزش به شمار می‌رود. به‌همین‌ترتیب، برای خواندن کتاب‌ها نیز بلیتی را با پنجاه بخش متفاوت در نظر بگیرد. درست به شیوه بلیت‌های قطار، در اینجا نیز پیش از هر بار خواندن کتاب، باید یکی از این بخش‌ها را ثبت کنید اما بر خلاف بلیت چند سفری، این تنها بلیت شما خواهد بود و نمی‌توانید در صورت تمایل یکی دیگر تهیه کنید. زمانی که اعتبار این بلیت به اتمام رسد، شما قادر به باز کردن هیچ کتاب دیگـری نخواهید بود و با وجود این که در سیستم حمل نقل، امکان فرار از باجه ثبت بلیت وجود دارد، در اینجا هیچ تقلبی ممکن نیست. شاید بپرسید که تنها پنجاه کتاب برای تمام عمر؟ این موضوع احتمالاً برای بسیاری افراد اهمیت چندانی ندارد اما برای شـما که در حال خواندن این مقاله هستید، چشم‌انداز وحشتناکی اسـت. چطور ممکن است حتی فردی نیمه‌متمدن زندگی خود را با این تعداد محدود کتاب به سر برد؟

کتابخانه خصوصی من شامل سه هزار کتاب است که تقریبا یک سوم آنها خوانده شده‌اند، یک سـوم از آنها نیمه‌خوانده مانده‌اند و یک سوم دیگر نیز اسـاس دست‌نخورده هستند. کتاب‌های جدیدی نیز هر سال به طور مرتب به این تعداد اضافه می‌شوند. آنها را دسته‌بندی می‌کنم و خود را از شر برخی خلاص می‌سازم. کتابخانه من در مقایسه با فردی چون اومبرتو اکو با کتابخانه‌ای به بزرگی سـی هزار کتاب، نمونه‌ای پیش‌پاافتاده محسوب می‌شود. با این حال و علی‌رغم تعداد محدود کتاب‌ها، محتوای آنها صرفاً به صورتی مبهم به یادم مانده است. در واقع وقتی به جلد آنها نگاه می‌کنم، نوشته‌های هر کتاب به صورت ابری گذرا و آشفته از ذهنم می‌گذرد که با احساسات مبهمی آمیخته‌اند. گاه صحنه‌ای از کتابی در نظرم مجسم می‌شود و گاهی نیز جمله‌ای همچون قایقی پارویی و روان در مه به آرامی می‌آید و ناپدید می‌شود.

به نـدرت می‌توانم یک کتـاب را به اختصار جمع‌بندی کنم. برخی از کتاب‌ها در قفسـه هستند که نمی‌توانم با اطمینان بگویم که آیا تا به حال آنها را خوانـده‌ام یا نه. این کتاب‌ها را باید باز کنم و صفحات علامت‌گذاری‌شـده و یادداشـت‌های پراکنده در حاشیه کتاب را جست‌وجو کنم. در چنین لحظاتی نمی‌دانم حافظه ضعیـف من خجالت‌آورتر اسـت یا کتاب‌هایی که آشـکارا تأثیـر اندکی بر من نهاده‌اند. البته زمانی که از رویارویی بسـیاری از دوسـتانم با تجربه‌ای مشابه آگاهی یافتم تا حدودی احساس آسودگی کردم. این وضعیت نه تنها در خصوص کتاب‌ها، بلکه درباره مقالات، گزارش‌هـا، پژوهش‌ها و متون ادبی نیز صدق می‌کند که زمانی با لذت خوانده شـده‌اند، اما اغلب آنها به نحو شـرم‌آوری به سختی به یاد آورده می‌شوند.

حال پرسش اینجاست که اگر محتوای کتاب‌ها تابدین حد کم به خاطر می‌مانند، اساساً اهمیت مطالعه در چیست؟ تردیدی نیست که مطالعه لذتی زودگذر را به دنبال خواهد داشت اما این لذت زودگذر را می‌توان از خوردن یک شیرینی لذیذ هم به دسـت آورد، بی‌آن‌که از آن انتظار داشته باشیم تا شـخصیت ما را شکل دهد. به راسـتی چرا اثر کتاب‌ها مدت کوتاهی با ما می‌ماند؟

دلیل این امر را باید در نادرستی شیوه خواندن کتاب جست‌وجو کرد. کتابخوانی ما به حد کافی گزیده و دقیق نیست. ما به خود اجازه می‌دهیم که مانند سـگی آموزش‌ندیده در میان متون مختلف سرگردان شویم و به جای آموزش شیوهٔ یافتن شکار ارزشمند و کمیاب، آزادانه به هر سو گردش کنیم. در واقع مهم‌ترین و ارزشمندترین منبع خـود را برای چیزهایی که سـزاوار آن نیستند، به هدر می‌دهیم.

امروز من به گونه‌ای سراسر متفاوت با سالیان پیش کتـاب می‌خوانم. بی‌تردید میزان کتاب خواندنم با گذشـته یکسان اسـت اما اینک کتاب‌های کمتر و بهتـری را می‌خوانم و هر یک را نیز دو بار مطالعـه می‌کنم. در واقع به شـدت گزیده‌خوان شـده‌ام و تنها با کمتر از ۱۰ دقیقه، درباره خواندن یا نخواندن هر کتاب تصمیم می‌گیرم. تصویر بلیت چندسفری در این سخت‌گیری مرا یاری می‌کند. از خود می‌پرسم آیا کتابی که من در دسـت دارم ارزش قربانی کردن یکی از بخش‌های بلیت را دارد؟ پاسـخ در موارد اندکی مثبت اسـت. کتاب‌هایی که خوانده می‌شوند هم بر اساس اصول معین‌شده، بلافاصله مورد بازخوانی قرار می‌گیرند.

به راسـتی چرا نباید هر کتاب را دو بار خواند؟ در موسیقی ما هر قطعه را بارها و بارها گوش می‌دهیم. نوازندگان نیز به خوبی می‌دانند که نواختن استادانه یک قطعه تنها پس از بازخوانی چندباره آن و تمرکز کامل میسـر می‌گردد؛ آن‌هم پیـش از این که نوازنده با عجله در پی قطعه دیگری باشـد. چرا نباید با کتاب‌ها نیز همین گونه رفتار کرد؟

تأثیـر دومین مطالعه کتاب، صرفـاً دو برابر نخستین بار نیست، بلکه بسیار بیشتر است. من بر اساس تجربه شخصی، آن را بیش از ۱۰ بار بیشتر از اولین خوانش کتاب مؤثر می‌دانم. به این صورت که اگر بعد از خواندن اول ۳ درصد از کتاب را به یاد می‌آورم، پس از دومین نوبت، میزان یادآوری به ۳۰ درصد می‌رسد.

این نکته مرا بارها و بارها متعجب ساخته است که وقتی به آرامی و با تمرکز مطالعه می‌کنیم تا چه حد دومین مطالعه را خوانشی جدید می‌یابیم و درکی عمیق‌تر از نتایج چنین خواندنی به‌دست می‌آوریم. هنگامی که داستایفسکی در ۱۸۶۷ به تابلو «جسـم در گذشته مسیح در آرامگاه» در شـهر بال نگاه کرد، چنان مسحور نقاشی شد که همسرش به ناچار پس از نیم‌ساعت او را از مقابل تصویر کنار کشید. جالب آن که او دو سال بعد از این زمان همچنان می‌توانست نقاشـی را در رمان خود به تفصیل شرح دهد. آیا عکسی فوری با یک گوشی آیفون قادر است چنین تأثیری داشته باشد؟ احتمالاً پاسخ منفی است، زیرا نویسنده بزرگ باید خود را در نقاشی غرق کند تا بتواند در آینده به نحوی سازنده از آن در آثـار خویش بهره گیرد. واژه کلیدی در اینجا غوطه‌وری است که درست در نقطه مقابل موج‌سواری قرار می‌گیرد.

اجازه دهید بحث را با اشـاره به چهار نکته به پایان برم. نخست در باب اثربخشی که تا حدود زیادی امری فنی به نظر می‌رسـد. آیا داوری کتاب‌ها کاری درسـت اسـت؟ پاسخ مثبت است. این نوع مطالعه بر سودمندی و برخورد غیر احساسـاتی متمرکز اسـت. اجازه دهید احساسات را برای فعالیت‌های دیگر نگاه داریم. فکـر می‌کنم اگر کتاب به دلیل فقر محتوا یا خواندن نادرست، اثری در مغز باقی نگذارد، زمان را هدر داده‌ایم. در واقع به لحاظ کیفی، کتاب با خوردن شیرینی لذیذ، پرواز بر فراز آلپ یا لذت رابطه جنسی تفاوتی بنیادین دارد.

دوم آن که کتب جنایی، پلیسی و معمایی از این قاعده مستثنا هستند، زیرا معمولاً کسی نمی‌تواند برای بار دوم آنها را بخواند. به راستی چگونه می‌توان قاتلی شناخته‌شده را بار دیگر ملاقات کرد.

سوم آن که باید برای خود تصمیم بگیرید که چه تعداد جایگاه کتاب در بلیت کتاب‌خوانی در اختیارتان قرار دارد. من برای ۱۰ سال آینده خود را به ۱۰۰ کتاب محدود کرده‌ام که به طور متوسط سـالانه ۱۰ کتاب را شامل می‌شود. این تعداد برای نویسـنده‌ای چون من به نحو جنایتکارانه‌ای اندک است اما همانطور که گفتم من کتاب‌های عالی را دو و گاهی سه بار، با لذت فراوان و اثربخشی ۱۰ برابری می‌خوانم.

و در نهایت اگر هنوز جوان هسـتید، باید در یک سوم اول از دوران فعال کتابخوانی خود، بی‌توجه به کیفیت، هر مقدار کتاب ممکن را، اعم از رمان، داستان‌های کوتاه، شعر و کتب غیر داسـتانی، ببلعید. خودتان را با خواندن سـرگرم کنید. رمـز این توصیـه در نوعی بهینه‌سـازی ریاضی به نام «مسئله منشی» نهفته اسـت. این مسـئله در صورت‌بندی کلاسیک آن، درباره استخدام بهترین منشی از میـان داوطلبان متعدد اسـت. در راه‌حل پیشنهادی، باید از طریق گفتگو با ۳۷ درصد اول داوطلبـان، تصویری کلی از توزیع کیفی آنها به دسـت آورید و سپس همه این افراد را رد کنید. می‌توانید توضیحات بیشتر را در سایت ویکی‌پدیا مطالعه کنید. بر این اساس، با خواندن گسترده کتاب‌ها (به معنای آماری کلمه) و آزمودن آنها در یک سـوم نخست از دوران کتابخوانی خود، تصویری از توزیع کیفی آثار به دست خواهید آورد و توان داوری شما تقویت می‌شود. به‌این ترتیب در ادامه می‌توانید با شدت زیاد گزیده بخوانید.

پس از حدود سـن چهل سالگی به بعد بلیت کتابخوانـی خود را تهیه کنید و پس از آن، به دقت به این اصول وفادار بمانید؛ چراکه به هر حال پس از رسـیدن به چهل سالگی، زمان محدودتر از آن است که برای خواندن کتاب‌های ضعیف و کم‌مایه صرف شود.

کافه پیام

برای انعکاس نظرات
و گلایه ها و پیشنهادات
خود درباره مسائل البرز
با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

بریده جراید

شوفرها علیه کاخ ۷۲ میلیون دلاری

شهروند- دو معامله بزرگ و لاکچری در لس‌آنجلس صورت گرفته است؛ در حالی‌که در این منطقه اختلاف طبقاتی وحشتناکی وجود دارد و هزاران نفر در خیابان‌ها زندگی می‌کنند.

روز دوشنبه، گزارش‌های متعددی آمد از این‌که گرت کمپ، موسس شرکت اوبر و شریکش الیزا گوبین یک کاخ بزرگ را با قیمت بیش از ۷۲میلیون دلار خریدند. گفته می‌شود این کاخ با ۱۱۰۰ متر مربع مساحت، بزرگترین خانه در این منطقه است.

البته این بزرگترین و گران‌قیمت‌ترین معامله‌ای نیست که در هفته گذشته در لس‌آنجلس صورت گرفته است. کاخ ۵۷۰۰ متر مربعی دیگری در هفته گذشته در این منطقه از سوی آرون اسپلینگ، تهیه‌کننده تلویزیونی به قیمت ۱۲۰ میلیون دلار خریداری شـد که رکورد بالاترین قیمت خانه در تاریخ لس‌آنجلس را شکست.

فـروش این کاخ‌های گرانقیمت در حالی اتفـاق می‌افتد که لس‌آنجلس با نابرابری‌های فزاینده و بحران مسکن و بی‌خانمانی مواجه است و بحث‌های زیادی در این مورد صورت گرفته که چه کسانی از رشد اقتصادی این منطقه بهره می‌برند. املاک هولمبی هیلز یک ملک ۴,۷ هکتاری است که بزرگترین ملک خانوادگی لس‌آنجلس اسـت. این ملک در سـال ۱۹۹۱ برای آرون اسپلینگ ساخته شد و به نوشته لس‌آنجلس تایمز، حالا ۱۲۳ اتاق دارد.

اما چیزی که موضوع خرید کاخ توسط گرت کمپ، موسس شرکت اوبر را از ملک آرون اسپلینگ مجزا می‌کند، این است که در ماه‌های اخیر بسیاری از رانندگان اوبر برای دستمزدهایشان دست به اعتراض زده‌اند. ثروت کمپ حدود ۴,۲ میلیارد دلار تخمین زده می‌شـود. خرید این ملک ۷۲میلیون دلاری جنجال زیادی بین فعالان و رانندگانی که مدت‌هاست برای حقوق خود و بهبود شـرایط کاری تلاش می‌کنند، ایجاد کرده است. نیکول مور، یکی از رانندگان اوبر در لس‌آنجلس می‌گوید: «این مصداق بارز این اسـت که یک درصد از افراد، ثروت ۹۹درصد را می‌دزدند. کمپ خانه‌ای ۷۲میلیون دلاری را در حالی خریده که بسیاری از رانندگان اوبر در ماشین‌هایشان زندگی می‌کنند. ما برای دستمزدهایمان می‌جنگیم، اما این افراد حتی حاضر نیستند ثروتشان را با کسـانی که به ثروت‌اندوزی آنها کمک کرده و شرکت آنها را ساخته‌اند، به اشتراک بگذارند.»

خانم مور، کسی است که در لس‌آنجلس به صورت پاره‌وقت رانندگی می‌کند و یک کار تمام‌وقت هم در بخش درمان دارد؛ چراکه به گفته او، هزینه‌های زندگی و اجاره خانه در لس‌آنجلس بسـیار بالاست. او به گاردین می‌گوید: «این کار نفرت‌انگیز است. اختلاف درآمد و شکاف طبقاتی به طرز عجیبی حکم‌فرماست.»

کریم بایومی، راننده دیگری از شرکت اوبر در لس‌آنجلس می‌گوید: «این آدم (گرت کمپ) دارد با پول ما این خانه‌های باشکوه را می‌خرد. با پولی که ما با زحمت به‌دست آورده‌ایم که آنها به راحتی و غیرمنصفانه از دست ما می‌گیرند. این استثمار است.» ویتا دوبال، استاد حقوق دانشگاه کالیفرنیا و فعال حقوق کارگری می‌گوید که خرید این کاخ باشکوه از سوی گرت کمپ نشان‌دهنده این است که او قصد ندارد بهبودی در شرایط رانندگان ایجاد کند.

خانم دوبال می‌گوید: «این اقدام، مثل سیلی به صورت رانندگان اوبر بود. آن‌هم وقتی که اوبر با ادعای شکستن قوانین کارگری و نقض قوانین موجود به نفع کارگران وارد شـد. سیستم سرمایه‌داری به شکل ناروایی به او پاداش خارق‌العاده‌ای داده است، آن هم در جلوی چشم کارگران و رانندگان این شرکت.» ویتا دوبال با بیان این‌که جنگ کارگران برای بیمه، حداقل دستمزدها همچنان ادامه دارد، ۷۲میلیون دلار می‌توانست مسیر زیادی را پیش ببرد: «این حجم از پول می‌توانسـت زندگی مردم و رانندگان اوبر را عوض کند.» این استاد دانشگاه همچنین اذعان کرد که بسیاری از رانندگان اوبر، بر خدمات عمومی و کمک‌های دولتی تکیه کرده‌اند و حقوق‌های پایین آنها نمی‌تواند جوابگوی نیازهای آنها، مالیات‌ها و هزینه‌هایشان باشد. این پول امثال ماست که برای خرید آن خانه صرف شده است.»

اولین نیروگاه اتمی شناور جهان توسط روسیه آماده به کار شد

همشهری آنلاین- اولین نیروگاه هسته‌ای شـناور جهان، «آکادمیک لومونوسوف» توسط روسیه ساخته شده و مجوز فعالیت دریافت کرده است. قرار است این نیروگاه انرژی و گرمای مناطق دورافتاده قطبی روسیه را تامین کند.

اولین نیروگاه هسته‌ای شناور جهان، به نام «آکادمیک لومونوسوف» توسط روسیه ساخته شده و حالا مجوز فعالیت دریافت کرده است. قرار است این نیروگاه انرژی و گرمای مناطق دورافتاده قطبی روسیه را تأمین کند.

طبق اعلام روس‌اتم‌انرژوآتم، این شناور در انتهای ماه آگوست به بندر پوک در سواحل قطبی منطقه چوکوتکا حمل خواهد شد. به‌این ترتیب این نیروگاه، شمالی‌ترین نیروگاه هسته‌ای جهان خواهد شد.

قرار است این نیروگاه هسته‌ای، در ماه دسامبر انرژی پوک را تأمین کند که در آن صورت ۲ پایانه برق موجود در خشـکی، از مدار خارج خواهند شد. انتظار می‌رود این نیروگاه هسته‌ای یکی از زیرساخت‌های کلیدی توسعه مسیر دریایی شمال روسیه باشد.

نیروگاه آکادمیک لومونوسوف دارای دو رآکتور کی‌ال‌تی -۴۰- اس است که قادر به تولید ۷۰ مگاوات انرژی الکتریکی و ۵۰ گیگا کالری انرژی گرمایی، در هر ساعت هستند. این رآکتورها که ویرایش جدیدی در نوع خود هستند، هر کدام قادرند برق و انرژی گرمایی لازم برای یک شـهر با ۱۰۰ هزار نفر جمعیت را تأمین کنند.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان- در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS